

رسم المصحف؛ ویژگی‌ها و دیدگاه‌ها

محسن رجبی

بنیاد پژوهش‌های اسلامی - گروه دایرة المعارف آستان قدس رضوی

چکیده

تاریخ دریافت: ۸۸/۶/۲ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۸/۱۸

پیامبر اعظم⁹ همزمان و موازی با اقرء و قرائت قرآن بر مردم، نسبت به نگارش و جمع و تدوین قرآن در مجموعه‌ای مدون و منظم به نام «مصحف» اهتمام فراوانی داشتند. از این رو، معلمان و مُقریان قرآن صورت نوشتاری قرآن را همراه صورت قرائی (شفاهی) آن روایت می‌کرده‌اند. بدین ترتیب، یکی از دانش‌های علوم قرآنی با عنوان علم «رسم المصحف» که آیین نگارش و آداب کتابت قرآن را بررسی و تحلیل می‌کند، شکل گرفت. علت تفاوت رسم الخط برخی کلمات قرآن با مرسوم القرائه آن، و جواز تغییر و تبدیل رسم الخط با هدف آسان‌سازی آموزش و ترویج قرآن، از سده‌های نخستین اسلامی یکی از مهم‌ترین موضوعات و مسائل علم «رسم المصحف» بوده است. این نوشتار با بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره رسم المصحف، بر آن است روایات و دیدگاه‌هایی که تفاوت‌های موجود در رسم الخط قرآن را ناشی از خطای کاتبان وحی یا ناقص و ابتدائی بودن خط عربی می‌پندارند، تبیین و تحلیل کند و نادرستی آن را نشان دهد.

کلید واژه‌ها: رسم الخط قرآن، قرائت و کتابت قرآن، آموزش و ترویج قرآن، سیره نبوی، اختلاف مصاحف، خط کوفی.

مقدمه

بی می‌بریم؛ مثلاً در آیه ۸۸ سوره انبیاء «ننجی» به صورت «نجی» با حذف نون ساکن؛ و در آیه ۲۱ سوره نحل «لأذبحنه» با

با بررسی اولیه رسم الخط قرآن، بی درنگ در برخی موارد به ناهمسانی کتابت با قرائت

یک «الف» افزوده کتابت شده است.

به طور کلی این ناهماهنگی صورت نوشتاری (خط) با صورت گفتاری را می‌توان در همه زبان‌ها و خطوط مشاهده کرد؛^۱ زیرا خط به واسطه گفتار با زبان پیوند می‌خورد و از نظر کارکرد، تابع زبان و گفتار است.^۲ نوشتار به تدریج و به دلایل مختلفی، از جمله تحول تدریجی گفتار زبان، از صورت

گفتاری خود فاصله می‌گیرد و به مرور زمان، شکلی متفاوت و مخصوص به خود پیدا می‌کند و ثابت می‌ماند.

بنابراین در مطالعه زبان قرآن و آموزش و ترویج آن قرائت مقدم بر کتابت است. معلمان قرآن بر پایه آموزه‌های سیره نبوی، ابتدا قرآن را به روش شفاهی آموزش می‌دادند و سپس رسم الخط و متن مکتوب قرآن (مصحف) را در اختیار قرآن‌آموز قرار می‌دادند. محمد بن الحجاج معتقد است: «هیچ کسی را روا نیست که از روی مصحف قرائت کند، مگر این که قرائت را بر وجه صحیحش فرا گیرد و رسم الخط مصحف را بیاموزد و درباره مواردی از رسم الخط که مخالف با قرائت است، کسب اطلاع کند. اگر جز این عمل نماید، با مسئله‌ای که مورد اتفاق امت اسلامی است، به مخالفت برخاسته است».^۳

علم رسم المصحف

خط برای ثبت دائمی گفتار، ورای زمان و مکان گوینده به کار می‌رود؛ از این رو باید تابع قوانینی باشد که نویسنده و خواننده متن از آن‌ها آگاه باشند؛ به مجموعه این قوانین،

۳. فضلی، القراءات القرآنیة، ص ۷۵.

۱. مثلاً در دستور خط فارسی، واژه «خواهر»، با یک «و» افزوده نوشته می‌شود. در الفبای خط انگلیسی که امروز در سراسر جهان گسترش و کاربرد دارد، حرف «S» در واژه‌های «Rose, SO» و «Suger» به ترتیب نماینده صدای «س»، «ز» و «ش» است یا در واژه «talk» حرف «l» و در «psychology» حرف «P» خوانده نمی‌شود؛ پس همان‌طور که این موارد را اغلاط املایی نمی‌دانند، نمی‌توان بی‌محایا میراث ماندگار و جاودانه رسم الخط قرآن را که با کوشش و دقت بسیار به دست ما رسیده است، ناشی از خطای کاتبان وحی و ناقص بودن خط در آن زمان دانست.

۲. زبان (language) به عنوان پدیده‌ای ذهنی و نظام ارتباطی میان انسان‌ها دارای دو نمود مهم آوایی (گفتار: speech) و نوشتاری (writing) است. البته خط پس از گفتار به وجود آمد و قدمت آن حداکثر به ده تا بیست هزار سال پیش می‌رسد (گاور، تاریخ خط، ص ۱-۲ و ۳۵).

«رسم الخط» یا «دستور خط» یا «آیین نگارش» گفته می‌شود. خطی که برای کتابت قرآن در عهد نبوی به کار می‌رفت نیز دارای آیین و دستوری بود که به آن «رسم المصحف»^۱ اطلاق می‌شود.

«رسم المصحف» یکی از رشته‌های علوم قرآنی است که آیین نگارش و آداب کتابت قرآن را از طریق روایت بررسی می‌کند؛^۲ یعنی کتابت، مستند به روایت است و معلمان و مُقریان، صورت نوشتاری قرآن را نیز روایت می‌کردند؛^۳ چنان که نافع بن عبد الرحمان (م ۱۶۹ ق) از قاریان هفت‌گانه، امام

اهل مدینه در رسم مصحف بود؛ در بصره، عاصم بن ابی الصباح جَحْدَری (م ۱۲۸ ق) و ابوعمرو بن علاء (م ۱۵۴ ق) راوی رسم مصحف بودند و از پیشوایان رسم الخط قرآن در کوفه می‌توان به حمزة بن حبیب زیات (م ۱۵۶ ق) و علی بن حمزه کسائی (م ۱۸۷ ق) اشاره کرد.

بدین سان علم رسم المصحف ابتدا مانند بسیاری دیگر از علوم قرآنی، بر پایه روایات شکل گرفت که در عصر تدوین علوم اسلامی، این روایات ثبت و ضبط شد^۴ و با گسترش کاربرد خط و علوم چون آواشناسی، صرف و نحو عربی و آموزش و ترویج قرآن در جوامع غیرعربی، مباحث علم رسم المصحف نیز گسترش یافت.

بر پایه گزارش ابن ندیم^۵ اولین رساله‌هایی که در رسم المصحف تدوین شد، از این قرار است:

- **الکتب المؤلفة فی مقطوع القرآن و موصوله؛** در این موضوع، عبد الله بن عامر یحصبی (م ۱۱۸ ق)، حمزة بن حبیب زیات کوفی و کسائی صاحب رساله بوده‌اند. ظاهراً این نوع رساله‌ها به بررسی اتصال و انفصال

۱. چون یکنواخت سازی متن مصاحف در زمان عثمان انجام گرفته است، در متون متأخر، اصطلاح «رسم الخط عثمانی» به جای «رسم الخط قرآن» به کار می‌رود؛ در حالی که عثمان و کمیته توحید مصاحف، در رسم الخط قرآن هیچ تغییری انجام ندادند و دقیقاً مطابق رسم الخطی که تحت نظارت و اشراف پیامبر اکرم انجام شد، عمل کردند (بنگرید به: زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۳۷۷ و ۳۷۸)؛ از این رو به نظر می‌رسد کاربرد آن بی‌معنا باشد.
۲. بنگرید به: سیوطی، *الاتقان*، نوع ۷۶؛ زرکشی، *البرهان*، نوع ۲۵.
۳. قدوری، *رسم الخط مصحف*، ص ۵۵۹ و ۶۵۱؛ سزگین، *تاریخ نگارش‌های عربی*، ج ۱، ص ۳۷-۳۵.

۴. قدوری، *رسم الخط مصحف*، ص ۱۵۳-۱۴۹.
۵. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۸-۳۹.

برخی از کلمات و حروف در رسم الخط قرآن پرداخته‌اند؛ مانند بررسی موارد انفصال «بئس ما» و اتصال آن به صورت «بئسما».

الکتاب المؤلفه فی هجاء المصحف (المصاحف)؛ یحیی بن حارث ذماری (م ۱۴۵ق)، ابن شیب، احمد بن ابراهیم وراق (م حدود ۲۷۰ ق) و یعقوب بن ابی شیب، صاحب تألیف در این موضوع‌اند. منظور از «هجا» در این منابع، قواعد رسم الخط قرآن است که بعدها اصطلاح «رسم» جای آن را گرفت.

الکتاب المؤلفه فی اختلاف المصاحف؛ کتاب اختلاف مصاحف الشام و الحجاز و العراق از ابن عامر؛ کتاب اختلاف مصاحف اهل المدينة و اهل الکوفة و اهل البصرة از کسائی و اختلاف اهل الکوفة و البصرة و الشام فی المصاحف از فراء (م ۲۰۷ق). منظور از اختلاف مصاحف ذکر شده عبارت است از:

۱. اختلاف‌هایی در رسم الخط که موجب اختلاف در قرائت نشده‌اند؛ حذف یا افزودن حرفی که ارزش آوایی ندارند: «لأَوْضَعُوا = لاَوْضَعُوا».

۲. تفاوت‌هایی که موجب اختلاف در قرائت شده‌اند؛ مانند حذف یا زیادت یک حرف؛ چنان‌که در مصحف مدینه: (وسارعوا

الی مغفرة) (آل عمران/۱۳۳)، بدون «و» و در مصحف مکه (نُزِلَ الملائكة تنزیلاً) (فرقان/۲۵) به صورت «و نُنزِل» آمده است؛ یا تبدیل یک حرف به حرفی دیگر؛ مثلاً (ولا يخاف عقبها) (شمس/۱۵) در مصحف مدینه «فلا يخاف» ثبت شده است؛ در مصحف مدینه کلمه «هو» از آیه (ان الله هو الغنی الحمید) (حدید/۲۴) حذف و در مصحف مکه، «من» به آیه (تجرى تحتها الانهار) (توبه/۱۰۰) اضافه شده است. مجموع اختلافات دسته دوم به ۴۰ مورد می‌رسد.^۱

گرچه این رساله‌های کوچک به دست ما نرسیده است، ولی مطالب آن‌ها همراه با شرح و تفصیل و مشاهدات عینی علمای رسم از روی مصاحف قدیمی در مهم‌ترین منابع رسم المصحف آمده است.^۲

۱. دانی، المقنع، ص ۹۶-۱۱۷؛ قدوری، رسم الخط مصحف، ص ۶۴۶-۶۳۷.
۲. برای مطالعه فهرست این منابع بنگرید به: زرکشی، البرهان (چاپ دارالمعرفة، ۱۴۱۵ق)، نوع ۲۵؛ پورفرزب و دیگران، بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ص ۳۵-۲۸؛ قدوری، رسم الخط مصحف، ص ۱۷۰-۱۴۱؛ نائطی ارکاتی، نثر المرجان فی رسم نظم القرآن (ده مجلد).

ویژگی‌های رسم الخط قرآن از منظر دانشمندان اسلامی

نگارش کل قرآن در عهد رسالت پیامبر اکرم⁹ مورد اتفاق همه علمای اسلامی است.^۱ ولی، یکنواخت نبودن برخی قواعد نگارشی قرآن، اختلاف صورت نوشتاری بعضی کلمات با صورت قرائتی آن، تفاوت برخی قواعد دستوری زبان قرآن با زبان عربی، نگاه کمی به گسترش حوزه‌های تعلیم و تعلم قرآن به ویژه در جوامع غیر عربی و دور شدن تدریجی مسلمانان از نظام احسن آموزش قرآن در سیره نبوی سبب شد از همان سده اول قمری، دیدگاه‌های مختلفی درباره رسم المصحف به شرح زیر پدید آید:

الف. اختلاف و تنوع در رسم الخط قرآن ناشی از اشتباه کاتبان وحی است؛ ابن قتیبه (م ۲۷۶ ق) معتقد است که هر چه در رسم مصحف آمده، یا مطابق با دستور زبان یکی از مکاتب نحوی است یا غلطی از سوی کاتب.^۲ در این باره معمولاً به چند روایت از عایشه و عثمان بن عفان و ابن عباس به شرح ذیل استناد می‌شود:

ابوعبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴ ق) به اسناد

۱. بنگرید به: رامیار، تاریخ قرآن، ص ۲۹۵-۲۱۱.
۲. ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، ص ۵۷-۵۶.

خویش از عکرمه (م ۱۰۷ ق) آورده است: «لما كتبت المصاحف عرضت على عثمان فوجد فيها حروفاً من اللحن، فقال: لا تغيروها، فان العرب ستغيرها - او قال ستعربها بالسنتها»^۳؛ وقتی مصاحف نگاشته شد، آن‌ها را به عثمان (م ۳۵ ق) عرضه کردند، او در آن‌ها حروفی [کلماتی] را دید که دچار لحن شده بود؛ پس گفت: [شکل نوشتاری] آن‌ها را تغییر ندهید، زیرا که عرب‌ها آن‌ها را با زبانشان (در خواندن) تغییر می‌دهند یا روشن می‌کنند؛ یعنی مسلمانان به رغم تفاوت صورت نوشتاری قرآن با صورت گفتاری آن، قرآن را مطابق صورت گفتاری آن، درست می‌خوانند.^۴

برخی با توجه به این گونه روایات، معتقدند عثمان و کمیته توحید مصاحف در تصحیح اشتباهات، مسامحه و کوتاهی

۳. ابوعبید قاسم بن سلام، فضائل القرآن، ص ۲۸۷. نیز بنگرید به: ابن ابی داود، المصاحف، ص ۴۱-۴۲؛ ابن شُبّه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۳، ص ۱۰۱۳؛ ابن شُبّه، ...

۴. بنگرید به: «ترجمه و شرح قصیده عقيلة اتراب القصائد»، گنجینه بهارستان ۱۵، ص ۴۹۷-۴۹۶؛ ابن عرب اصفهانی، «منهل العطشان فی رسم احرف القرآن»، همان، ص ۲۶۱-۲۵۸.

کرده‌اند.^۱ ولی، برپایه گزارش‌های دیگر می‌توان دریافت که عثمان نسبت به تصحیح خطاهای نگارشی اهتمام داشت. هانی بربری می‌گوید: «من نزد عثمان بودم که مصاحف را عرضه و مقابله می‌کردند؛ عثمان مرا نزد ابی بن کعب فرستاد تا نظر او را درباره درستی این کلمات: «لم یتسن»، «لاتبدیل للخطق» و «فامهل الکافرین» جويا شوم؛ ابی آن کلمات را این گونه تصحیح کرد: لم یتسنه، لخلق الله، فمهل^۲».

ابوعمر و دانی (م ۴۴۴ ق) بر این باور است که اگر ظاهر این روایت بر خطای در رسم الخط دلالت داشته باشد، نمی‌توان آن را صحیح و حجت دانست؛ زیرا اولاً چون عکرمه عثمان را ندیده و از او چیزی نشنیده است، این روایت، مرسل و در اسناد آن خلط شده و الفاظ آن ناهمگون است.

ثانیاً با هدف عثمان و صحابه بزرگوار مبنی بر رفع اختلاف از مصاحف و مسلمانان ناسازگار است و اگر روایت را صحیح بدانیم، معنای آن این است که اگر قرآن را بر

اساس رسم الخط آن بخوانند و از حقیقت رسم آگاه نباشند، در برخی موارد دچار لحن خواهند شد.^۴

«یوهان فک» با بررسی تاریخی معنای واژه لحن آورده است: این واژه در زبان جاهلی و صدر اسلام به معنای میل و گرایش، هوشیاری و زیرکی، بلاغت، آواز، رمز و اشاره، معما و توریه و کنایه و شیوه بیان آمده است، اما هرگز به طور مطلق به معنای اشتباه در بیان نیامده است. به عقیده وی این معنا در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم قمری برای لحن به وجود آمده است.^۵

حسن مصطفوی اصل معنایی لحن را «خروج از میزان متعارف و متداول» می‌داند که از مصادیق آن می‌توان به خروج کلام از قواعد و ضوابط صحیح آن اشاره کرد.^۶

بنابراین منظور از «لحن» در مصحف این است که صورت نوشتاری برخی کلمات از شکل معمول و متداول خود تغییر داده شده‌اند یا رسم الخط بعضی واژگان با مرسوم القرائه آن متفاوت است.

از بخش آخر روایت عثمان: «لو کان

۱. معرفت، تاریخ قرآن، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲. این کلمات به ترتیب در سوره‌های بقره/۲۵۹، روم/۳۰ و طارق/۱۷ قرار دارد.

۳. ابو عبید قاسم بن سلام، فضائل القرآن، ص ۲۸۶.

۴. دانی، المقنع، ص ۱۲۰-۱۱۹.

۵. العربیه، ص ۲۴۶-۲۳۵.

۶. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۱۷۸.

الکاتب من ثقیف والمملی من هذیل لم توجد هذه الحروف^۱ نیز می‌توان این استنباط را داشت؛ یعنی اگر املا کننده و کاتب قرآن شخصی غیر از رسول خدا^۹ و شاگردان ایشان می‌بودند، برخی حروف (کلمات) این گونه کتابت نمی‌شد.^۲

به نظر می‌رسد که این تغییرات، حکیمانه و با تعلیم و نظارت رسول خدا^۹ انجام گرفته است.^۳ از این رو، رسول خدا^۹ و معلمان قرآن از قرآن آموزان می‌خواهند که همگام با فراگیری قرائت قرآن، موارد لحن در رسم الخط قرآن و به تعبیری دیگر «استثناهای ویژه نگارش قرآن» را نیز فراگیرند: «تعلّموا اللحن فیه كما تعلّمون حفظه».^۴ از عمر بن خطاب نیز نقل شده

است: «تعلّموا اللحن والفرائض والسنن كما تعلّمون القرآن»،^۵ یا «تعلّموا اللحن فی القرآن كما تعلّمونه»؛^۶ یعنی همان طور که قرآن را فرا می‌گیرید، موارد لحن در (رسم الخط) قرآن را نیز بیاموزید.

در روایت دیگری از عمر بن خطاب آمده است: «أبی أقرأنا وأنا لئرب عن کثیر من لحن ابي» یا «أبی أقرأنا وأنا لئترك أشياء ممّا یقول ابي؛ انّ ابياً یقول: سمعت رسول الله ولا أدع قول رسول الله»؛^۷ یعنی با این که ابي بن کعب از همه ما قرآن‌خوان‌تر و قرآن‌دان‌تر بود، ولی برخی از لحن‌های (قرائات تفسیری و تصریفی) او را نمی‌پذیرفتیم. بنابراین در این گونه روایات، منظور از لحن، لحن در قرائت است؛^۸ یعنی ساختار گفتاری کلمات، آیات و سوره‌های قرآن را تغییر دادن؛ که می‌توان آن را «تصریف کلمات، تصریف آیات و تصریف سوره‌ها» با هدف تدبر و فراگیری

۱. ابو عبید قاسم بن سلام، فضائل القرآن، ص ۲۸۷.

۲. بنگرید به: دانی، المقنع، ص ۱۲۰؛ قدوری، رسم الخط مصحف، ص ۱۹۸.

۳. آلوسی (م ۱۲۷۰ ق) معتقد است که صحابه قواعد کتابت و رسم الخط عربی را به خوبی می‌دانستند؛ جز این که آنان در برخی موارد از روی حکمت و فلسفه‌ای بر خلاف آن قواعد عمل کرده‌اند (معرفت، علوم قرآنی، ص ۱۶۳).

۴. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۶۱۱.

←

→ خ ۲۸۰۸.

۵. ابو عبید قاسم بن سلام، فضائل القرآن، ص ۳۴۹.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۳۸۰.

۷. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۵۹.

۸. ابن ابی داود منظور از لحن در این روایات را «لهجه» می‌داند (المصاحف، ص ۴۱).

زبان قرآن دانست.^۱

از ابن عباس روایت شده که در آیه ۲۷ سوره نور: (حتی تستأنسوا وتسلموا)، آیه ۳۵ سوره نور: (مثل نوره کمشکوة)، آیه ۳۱ سوره رعد: (افلّم یأیّس الذین آمنوا) و آیه ۲۳ سوره اسراء: (و قضی ربّک) اشتباهی از سوی کاتب رخ داده است. او این آیات را به ترتیب: «حتی تستأذنوا»، «مثل نور المؤمن»، «افلّم یتبین» و «و وصی ربّک» قرائت کرده است؛^۲ این روایات درست گزارش نشده‌اند؛ زیرا این گونه قرائات تصریفی و تفسیری از زبان صحابه و تابعین فراوان نقل شده است^۳ ولی، دیدگاه اصلی صحابه بر پایه تعالیم نبوی این بود که قرائات مختلف در مصحف ثبت نشود؛^۴ از جمله ابن عباس به سعید بن جبیر گوید: «عند الرحمن» را از مصحف خود محو کن و به جای آن «عباد الرحمن»

(زخرف/ ۱۹) را بنگار.^۵

همچنین هشام بن عروه از پدرش نقل می‌کند: «از عایشه از لحن در قرآن در این آیات: ﴿ان هذآن لساحران﴾ (طه/ ۶۳) و ﴿والمقیمین الصلوة والمؤتون الزکوة﴾ (نساء/ ۱۶۲) و ﴿ان الذین آمنوا والذین هادوا والصابئون﴾ (مائده/ ۶۹) پرسیدم؛ او در پاسخ گفت: خواهرزاده! این کار کاتبان است؛ آنان در کتابت خطا کرده‌اند.^۶

بر پایه این روایت، این سؤال پیش آمده است که چرا در آیات مورد اشاره، کلمات: «هذآن»، «المقیمین» و «الصابئون» مطابق قواعد مشهور نحو به صورت «هذین، المقیمون و الصابئین» به کار نرفته است.

قسمت اول پاسخ؛ یعنی «این کلمات را کاتبان وحی همین گونه نوشته‌اند» درست است؛ چنان که زبیر ابوعبدالسلام به ابان بن عثمان گفت: چرا [در آیه ۱۶۲ سوره نساء]: «والمقیمین» نوشته شده است؟

ابان گفت: کاتب وقتی از نگارش ماقبل آن فارغ شده، گفته است: چه بنویسم؟ بنویس: «والمقیمین الصلوة»؛^۷ ولی فراز دوم

۱. رجیبی، «زمینه‌های صدور روایات احرف سبعة»، مطالعات اسلامی، ش ۷۲.
۲. سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۵۹۲-۵۹۰؛ زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۳۹۲-۳۸۸.
۳. نک: ابن ابی داود، المصاحف، ذیل «باب اختلاف مصاحف الصحابه».
۴. چنان که رسول خدا می‌فرمود: «لا تکتبوا عنی شیئاً الا القرآن، فمن کتب عنی غیر القرآن فلیمحه» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۲۱، خ ۲۹۱۶۸).

۵. دانی، المحکم، ص ۲۱.
۶. ابوعمید قاسم بن سلام، فضائل القرآن، ص ۲۸۷.
۷. همان، ص ۲۸۸. نیز بنگرید به: ابن شُبّه، تاریخ

روایت، یعنی «کاتبان در نگارش آن خطا کرده‌اند»، نادرست است؛ زیرا اولاً در قرائت متواتر و جمهور مسلمانان این آیات به همین صورت قرائت و روایت شده است؛^۱ پس نه تنها کاتبان اشتباه نکرده‌اند، بلکه مطابق قرائت نگاشته‌اند.

ثانیاً در این آیات، از نظر قواعد صرف و نحو زبان عربی اشکالی وارد نیست.^۲

ثالثاً به فرض نبود هماهنگی میان ساخت‌های زبان قرآن با برخی قواعد صرف و نحو بعضی گویش‌های زبان عربی، نمی‌توان آن ساخت‌ها را اشتباه و نادرست انگاشت؛ زیرا زبان قرآن، دستور زبان خاص خود را دارد و لزومی ندارد آن را همواره با قالب‌های دستوری زبان عربی سنجید؛^۳ به

ویژه آن که قواعد مشهور صرف و نحو زبان عربی بر پایه ساخت‌های زبانی رایج در میان برخی قبایل عربی در اواسط قرن دوم قمری و با معیارهای خاصی تدوین شده است. از این رو حتی نمی‌توان به صورت مطلق، درستی یا نادرسی همه ساخت‌های زبان عربی دوره‌های بعدی را بر پایه آن قواعد بررسی کرد.

زمخشری (م ۵۲۸ ق) ذیل آیه ۱۶۲ سوره نساء، وقوع خطا در رسم الخط را از سوی کاتبان وحی مردود می‌داند و بر این باور است کسانی که رسم المصحف را به طور کامل بررسی نکرده و مکاتب زبان عربی را

→ این مقام گفته است: «وقتی ما درستی یک لغت و ساخت زبانی را به دلیل کاربرد آن در یک شعر مجهول جایز می‌دانیم، پس جواز آن به علت کاربردش در قرآن، شایسته‌تر است. بسیار دیده شده که نحوی‌ها در بیان و توضیح الفاظ [و جملات] قرآن متحیر مانده‌اند و چون در توجیه آن، بیتی از یک شاعر ناشناخته پیدا می‌کنند، خوشحال می‌شوند. من بسیار از این کار تعجب می‌کنم، زیرا آن‌ها این بیت مجهول را که مطابق با آیه قرآن است، دلیل بر صحت آیه می‌انگارند؛ در حالی که اگر کاربرد قرآنی آن را دلیلی بر درستی آن بیت می‌دانستند، پسندیده‌تر و اولی‌تر بود» (رسم الخط مصحف، ص ۲۰۲).

-
- المدينة المنورة، ج ۳، ص ۱۰۱۴.
۱. قدوری، رسم الخط مصحف، ص ۲۰۲-۲۰۱.
 ۲. برای توجیحات مختلف نحوی بنگرید به: طوسی، التبیان، ج ۷، ص ۱۸۵-۱۸۳ و ج ۳، ص ۵۹۲، ۳۹۰؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۵۹۰-۵۸۸.
 ۳. بنگرید به: بنت الشاطی، التفسیر البیانی، ج ۱، ص ۱۰، ۴۲-۴۱ و ۹۴-۹۷؛ همو، اعجاز بیانی قرآن، ص ۳۰۴-۲۵۷. به گفته قدوری درستی روایت قرائت، بهترین دلیل بر علو فصاحت، بلاغت و عربیت آن است و نیازی به پیدا کردن گفتار یا شعری قدیمی در توجیه درستی آن نیست. فخر رازی (م ۶۶۶ ق) در
- ←

نمی‌شناسند، به این عقیده پایبند شده‌اند.^۱

ب. اختلاف به دلیل کم‌سوادی کاتبان وحی و ضعف خط و ابتدایی بودن آن بوده است؛ ابن‌خلدون (م ۸۰۸ ق) بر این باور است که خط عربی در آغاز اسلام به نهایت احکام و اتقان نرسیده بود و حتی در مرحله متوسطی هم قرار نداشت و این به سبب بدوی بودن اعراب و دوری آنان از صنایع بود. صحابه با خطوطی ناستوار (از لحاظ زیبایی و اصول خط) قرآن را نوشته بودند؛ لذا بسیاری از رسم‌های آنان با رسم صناعت خط در پیش اهل آن مخالفت داشت^۲، اما این نظر به دلایل زیر مخدوش و ناپذیرفتنی است:

اولاً خط عربی دست کم از زمان نقش «نماره» (۳۲۸ میلادی) به بعد رواج داشته است و طی چند قرن، پیش از انتقال آن به مکه و حجاز تکامل یافته و قواعد آن استقرار پیدا کرده بود و اصحاب پیامبر اکرم ۹ با آشنایی کامل، خط عربی را در برطرف ساختن نیازهای نظام فرهنگی جدید به کار گرفتند.^۳

ثانیاً ابن‌خلدون به همان خطایی رفته است که بسیاری به آن دچار شده‌اند و آن بررسی رسم مصحف با توجه به قواعدی است که علمای صرف و نحو ده‌ها سال پس از نسخه‌برداری مصحف و با توجه به قواعد نگارشی قرآن وضع کرده‌اند؛ یعنی آنان با توجه به قاعده‌های مختلف رسم‌الخط مصحف، یکی را برگزیده و بر اساس آن، آیین نگارش خط عربی را تدوین کردند؛ مثلاً در رسم الخط مصحف، اغلب پس از «واو» نماینده ضمیر جمع در افعال، «الفی» به آن افزوده می‌شود، ولی در مواردی از افزودن آن خودداری شده است؛ مثل فعل «عتوا» که سه بار با «الف» و یک بار در سوره فرقان، آیه ۲۱ بدون «الف» رسم شده است.^۴ بنابراین، نمی‌توان آیین نگارش خط عربی برآمده از رسم المصحف را معیار بررسی صحت و سقم رسم الخط قرآن قرار داد.

ثالثاً با توجه به اهداف نظام آموزشی قرآن، این خط (خط کوفی) به ظاهر ناقص و ابتدایی، نه تنها در انجام وظیفه خود نقص نداشته است، بلکه بسیار سودمند نیز واقع شد و در تناسبش با زبان قرآن

۱. زمخشری، *الکشاف*، ج ۱، ص ۵۹۰.

۲. *مقدمه ابن‌خلدون*، ج ۲، ص ۸۳۱.

۳. قدوری، *رسم الخط مصحف*، ص ۶۶ و ۶۷.

۴. کردی، *تاریخ القرآن*، ص ۱۹۳-۱۹۱ و ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

صاحب کمالاتی بود که خطوط دیگر از آن بی‌بهره یا کم بهره‌اند. دور شدن تدریجی مسلمانان از نظام آموزشی قرآن که توسط رسول اکرم⁹ بنیان‌گذاری شد و مقایسه سطح کاربرد این خط با خطوط دیگر، در برطرف کردن سایر نیازهای رو به گسترش و پیچیده مسلمانان در قرون بعدی، دو عامل مهمی بود که سبب شد بسیاری بپندارند که خط کوفی، بسیار ناقص و ناکارآمد است؛ در حالی که خط کوفی به دلیل نداشتن نقطه و اعراب، برای کسانی که سواد نوشتن دارند، ولی قبلاً قرآن را به تدریج، آیه به آیه و سوره به سوره، به روش شنیداری - گفتاری فرانگرفته باشند، ناخواناست و این مهم به رعایت ترتیب در یادگیری ارکان قرآن آموزی و استحکام آن‌ها یعنی استماع (گوش دادن)، تقویت حافظه شنیداری، تکرار کردن و حمل قرآن در قلب، نوشتن و خواندن از روی آن، تصریف کلمات، تصریف آیات و تصریف سوره‌ها کمک بسیاری می‌کند و هنگامی که قرآن آموز به صفحه مکتوب قرآن می‌نگرد، در واقع باز هم با استناد و تکیه به آموزش شنیداری خویش به تلاوت می‌پردازد.^۱

۱. بنگرید به: لسانی فشارکی، رجبی،

←

گرچه صورت نوشتاری، از تحول سریع و آزاد زبان جلوگیری می‌کند و دستور زبان که این نمود زبانی را بررسی می‌کند، موجب حفظ ثبات نسبی نمود مکتوب زبان و جلوگیری از تحول و دگرگونی‌های سریع ساختارهای زبانی می‌گردد؛^۲ با این حال ساختار خط کوفی به گونه‌ای است که ضمن حفظ ساختار اصیل قرآن، پویایی و زیایی زبان آن را محدود نمی‌کند و همگام و موازی با فلسفه و مبانی آموزش زبان قرآن، به زبان آموز این امکان را می‌دهد که با اطمینان خاطر بتواند قرآن را با شکل‌های مختلف قرائت کند؛ یعنی خط قرآن تا حدودی امکان هم‌نشینی و جان‌سازین سازی واژه‌ها و تکواژهایش را فراهم می‌کند تا ترکیب‌ها و ساختارهای بالقوه زبان قرآن که جزء ذخیره‌های آن است مکشوف گردد. به عبارتی دیگر، خط کوفی زمینه خلاقیت و فعالیت قرآن‌آموز را در تدبر و کشف معنا و مفهوم قرآن فراهم می‌سازد.^۳

→ «راهنمای آموزش قرآن در سیره نبوی»،
صحیفه مبین، شماره ۴۲.

۲. باقری، مقدمات زبان‌شناسی، ص ۱۷.

۳. بنگرید به: زرقانی، *مناهل العرفان*، ج ۱، ص ۳۷۷-۳۷۳؛ *نصوص فی علوم القرآن*، ج ۵، ص ۴۲۷-۴۲۲.

از سوی دیگر، بررسی سیر خوش‌نویسی و کتابت قرآن نشان می‌دهد که زیباترین و شایسته‌ترین خطی که توان ترسیم کرامت، مجد و عظمت کلام الهی را دارد، خط کوفی است.^۱ حسن ترکیب و اعتدال طبیعی و تناسب اجزای این خط شریف از تمامی خطوط بیشتر و بهتر است.^۲

ج. رسم الخط قرآن تحت تأثیر اختلاف قرائت قاریان مشهور در بازه زمانی سال سی تا سده چهارم قمری است؛ زیرا اولاً «با توجه به این که در مصادر هیچ اشاره‌ای به وجود اختلاف در مکتوبات قرآنی موجود در زمان پیامبر یافت نمی‌گردد، می‌توان پذیرفت که آیات و سور در این برهه از زمان به یک صورت یا قرائت نوشته می‌شده، ولی مشخص نیست آن قرائت کدام بوده است».^۳

ثانیاً داخل شدن قرائات سبع در مصاحف امام توسط عثمان تنها یک ادعای بدون دلیل است که از سوی کسانی مطرح شده که

قرائات سبع را نازل شده از سوی خدا و صحیح و متواتر می‌پندارند و چون برای توجیه عدم انطباق این قرائات با رسم الخط مصحف توجیهی ندارند، ادعا کرده‌اند که این قرائات در مصاحف امام توزیع شده است. در حالی که «در بین گزارش‌های موجود هیچ گزارش قابل اطمینانی وجود ندارد که در آن ادعا شده باشد کسی یا کسانی مصحف عثمانی را دیده و گزارش کرده باشند».^۴ همچنین گزارش‌های موجود درباره اختلاف مصاحف امصار «همگی مربوط به مصاحفی است که در زمان شخص گزارش کننده موجود بوده و یا حداکثر مربوط به مصاحف کهنی است که طبیعتاً در زمان خود قراء مشهور رایج بوده است، حال آن که هیچ کس مدعی نشده که همه مصاحف عثمانی را دیده و با هم تطبیق داده است».^۵

بنابراین، «کتابت قرآن کریم اعم از رسم و ضبط در فاصله سال ۳۰ هـ. تا قرن چهارم بر اساس قرائت قاریان مشهوری بوده که در این برهه ملجأ خاص و عام بوده‌اند؛ از جمله شواهد زنده‌ای که در تأیید این سخن می‌توان به آن استناد نمود وجود قرآن ابن

—
۱. شوقی حقدوست، *برخوردی نو با کهن‌ترین خط اسلامی*، ص ۳۱؛ لینگر، *هنر خط و تذهیب قرآنی*، ص ۱۶.
۲. صفوی، *رساله احیاء الخط [الکوفی]*.
۳. حاجی اسماعیلی، «بررسی تعامل و تقابل دو حوزه قرائت و کتابت قرآن...»، *مطالعات اسلامی*، ش ۶۸، ص ۴۷.

—
۴. همان، ص ۵۴.
۵. همان، ص ۶۱ و ۶۲.

بواب [نگاشته شده در ۳۹۱ ق می‌باشد] که بر اساس قرائت ابو عمرو بصری (م ۱۵۴ ق) است.^۱

در تکمیل و نقد این نظریه می‌توان گفت: **اولاً** قرآن در عهد رسالت بر اساس قرائت رسول خدا ۹ که متواتر میان صحابه و تابعین و جمهور مسلمانان بوده و هست، کتابت شد؛ این قرائت در آن دوره نامی جز «قرآن» نداشت و به نام شخص، قبیله، گروه یا قومی خاص ثبت نشده است؛ از نیمه دوم قرن اول قمری به تدریج اصطلاحاتی چون «قراءة العامة»،^۲ «قراءة الناس»،^۳ «قراءة الجمهور»،^۴ «قرائت مجمع علیه»^۵ و «القراءة المتواترة» در مقابل قرائت مختلف طرح شد

تا اصل قرآن از قرائت قاریان مشخص و متمایز باشد.

ابو عبدالرحمان سلمی (م ۷۲ ق) از مقریان بزرگ کوفه که قرآن را بر جمعی از صحابه، چون حضرت علی ۷، ابن مسعود، زید بن ثابت، ابی بن کعب و عثمان بن عفان عرضه کرده بود،^۶ می‌گوید: «قرائت صحابه بزرگ رسول خدا ۹ و به طور کلی، قرائت مهاجران و انصار یکی بود. آن‌ها همین «قرائت عامه» را می‌خواندند و قرائت عامه همان قرائت پیامبر اکرم ۹ بود که در آخرین سال عمرشان آن را دوبار بر جبرئیل امین عرضه کرده بودند».^۷

امام صادق ۷ افراد را برای شناخت «قرآن» به قرائت واحد و متواتر آن که میان عامه مردم رواج داشت، ارجاع می‌دادند: «اقرأ كما يقرأ الناس».^۸

پس از ثبت و تدوین قرائت سبع (هفت گانه) توسط ابن مجاهد (م ۳۲۴ ق) در کتاب السبعة به علت تطابق یکی از آن‌ها یعنی قرائت عاصم (م ۱۲۸ ق) به روایت

۶. ذهبی، *معرفة القراء*، ص ۳۸-۲۷ و ۵۳-۵۶.
۷. زرکشی، *البرهان*، ج ۱، ص ۳۳۱.
۸. کلینی، *اصول کافی*، ج ۲، ص ۶۳۳؛ محمد بن حسن صفار، *بصائر الدرجات*، ص ۱۹۳.

۱. همان، ص ۶۲.
۲. ابن وهب، *الجامع [لاعلوم القرآن]*، ج ۳، ص ۶۲، خ ۱۴۳؛ ابن ابی داود، *المصاحف*، ص ۱۷۴؛ *مقدمة المبانی*، ص ۴۷، ۲۲۵-۲۲۴؛ متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۲، ص ۵۹۵، خ ۴۸۱۶.
۳. ابن وهب، *الجامع [لاعلوم القرآن]*، ج ۳، ص ۶۰، خ ۱۳۸؛ سیوطی، *الاتقان*، ج ۱، ص ۱۵۷.
۴. نک: طوسی، *التبیین*، ذیل آیه ۱۰۲ و ۱۲۸ بقره؛ قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ج ۱، ص ۴۲۹، ۴۱۰، ۳۰۳ و ج ۲، ص ۲۸۸، ۲۰۸، ۹۲.
۵. ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۳۵.

حفص با قرائت عامه، از اوایل سده چهارم قمری به تدریج، قرائت عامه در قالب این قرائت مشهور شده است.^۱

قرائت هفت گانه در قرن دوم شکل گرفته‌اند که بجز قرائت عاصم به روایت حفص^۲ بقیه آن‌ها نتیجه اجتهاد و انتخاب قاریان آن است؛^۳ چنان که ذهبی (م ۷۴۸ق) از ازرق، شاگرد ورش نقل می‌کند: ورش (م ۱۹۷ق) پس از فراگیری قرائت استادش نافع مدنی (۱۶۹د ق) و بعد از این که علم نحو را به خوبی فراگرفت، در زادگاهش مصر، «مقرء ورش» را تأسیس کرد و قرائت

جدیدی از قرآن را بر پایه تخصصی که در علم نحو یافته بود، به نام «قرئت ورش» بنیان نهاد.^۴

بنابراین نمی‌توان گفت ورش راوی قرائت نافع است.

ثانیاً در قرائت بیشتر آیات قرآن اختلافی وجود نداشته است؛ قاریان هفت گانه، سه چهارم قرآن را یکسان قرائت کرده‌اند^۵ و در اغلب مواردی که اختلاف دارند این اختلاف موجب اختلاف در رسم الخط نمی‌شود؛ مانند اختلاف در قرائت «ضعف» به سه صورت «ضُف»، «ضُف»، «ضُف».

ثالثاً در این نظریه مشخص نیست آیا رسم الخط مصحف ابن بواب بر اساس قرائت ابوعمر و است یا ضبط (علائم اعرابی) آن؟

د. ویژگی‌های رسم الخط قرآن بازتاب حفظ سنت‌های نگارشی خط عربی متقدم و تغییر محیط زبانی است؛ یعنی از آن جا که خط عربی از خط نبطی اشتقاق یافته و تحت تأثیر زبان‌ها و خطوط سامی به ویژه آرامی، عبری و سریانی بوده و دوره‌های

۱. البته بر پایه برخی گزارش‌ها در سه کلمه، قرائت حفص بر خلاف قرائت متواتر و عامه ثبت شده است: (بنگرید به: ابن جزری، غایة النهایه، ج ۱، ص ۲۵۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه ۱۸ انفال؛ معرفت، علوم قرآنی، ص ۲۴۲-۲۳۵؛ طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۱؛ مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۲۱ و ۲۲).
۲. عاصم گوید: «در قرائت هیچ اختلافی با ابوعبدالرحمان سلمی نداشتم و در هیچ موردی با قرائت او مخالفت نکردم؛ زیرا به یقین می‌دانستم که او نیز در هیچ موردی با قرائت علی مخالفت نورزیده است» (ذهبی، معرفة القراء، ج ۱، ص ۷۵).
۳. معرفت، علوم قرآنی، ص ۲۴۲-۱۹۲.

۴. ذهبی، معرفة القراء، ص ۱۵۳.
۵. لسانی فشارکی، قراء سبعة و گزارش قرائات ایشان.

مختلفی را گذرانده است، ما در رسم الخط قرآن دست کم شاهد دو سنت نگارشی هستیم: یکی حفظ صورت گفتاری (تلفظ) پیشین؛ مانند کتابت واژه «صلوة» و «زکوة» با «واو» که بیانگر تلفظ قدیمی و ریشه لغوی آن‌هاست؛ دیگری حفظ علائم غیر آوایی برای تمایز کلمات؛ مثل نگارش «الف» در انتهای بعضی واژه‌ها.^۱ از این رو بایسته است با بهره‌گیری از علم زبان‌شناسی و آواشناسی و بررسی تاریخی ارتباط خط و زبان عربی با دیگر خطوط و زبان‌های سامی و شناخت لهجه‌ها و گویش‌های عربی عصر نزول به تبیین وجوه مختلف نگارشی رسم الخط قرآن دست یافت.

زرکشی (م ۷۹۴ ق) معتقد است اختلاف رسم الخط قرآن با رسم الخط رایج، بدون جهت اتفاق نیفتاده است، بلکه بر اساس امری است که نزد کاتبان وحی محقق و موجه بوده است؛ از این رو بر ما واجب است که سبب و علت آن را پی جویی کنیم و بر آن آگاه شویم.^۲ ابن جوزی نیز معتقد

است که رسم الخط قرآن بر برخورداری صحابه از فضلی بزرگ در علم هجاء و فهم عمیقشان در تحقیق هر علمی دلالت دارد.^۳

ه. رسم الخط قرآن مجید توقیفی است؛ برخی توقیفی بودن را به این معنا می‌دانند که منشأ قواعد و استثنای رسم الخط قرآن، وحی الهی است که بر اساس آن، رسول خدا^۹ چگونگی نوشتن شکل حروف و کلمات را تعیین می‌کرد و آن را بر کاتبان وحی املا می‌فرمود و بر کتابت آن نظارت و اشراف داشت.

نظام الدین حسن نیسابوری (م ۷۲۸ ق) عقیده گروهی از پیشوایان را این گونه آورده است: «همانا بر قاریان، علما و کاتبان واجب است از رسم الخط مصحف پیروی کنند... [زیرا کاتب وحی] این رسم را از پیامبر^۹ فراگرفته است؛ هر آنچه در رسم آمده با توجه به علتی لطیف یا حکمتی بلیغ بوده است، هر چند دانش ما به آن نرسد».^۴

احمد بن مبارک (م ۱۱۵۵ ق) در کتاب *الابریز عقیده و سخن استاد خویش*، شیخ

۱. پاکتچی، احمد، *The Orthographic Traditions In Earli Arabic Writing As Reflected In Rasm*؛ قدوری، *رسم الخط مصحف*، ص ۳۳-۸۱، ۱۹۱، ۶۸۶.

۲. زرکشی، البرهان، ج ۲، ص ۱۱-۱۰.

۳. کتانی، *نظام الحکومة النبویة*، ج ۲، ص ۲۹۸ و ۲۹۹.

۴. نیسابوری، *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، ج ۱، ص ۳۹ و ۴۰.

عبدالعزیز دباغ (۱۱۳۲د ق) را چنین نقل می‌کند: «رسم الخط قرآن سرّی از اسرار خداوند است و تعیین آن از سوی پیامبر 9 است و آن حضرت امر کرده است که قرآن را به این شکل بنویسند و کاتبان بر آنچه از پیامبر 9 شنیده‌اند، هیچ نیفزوده‌اند و از آن چیزی هم نکاسته‌اند... صحابه و غیر صحابه در رسم الخط قرآن به اندازه سر مویی دخالت نداشتند... و آن سرّی است که خداوند آن را به کتاب عزیز خود اختصاص داده و کتاب‌های آسمانی دیگر آن را ندارند... و همچنان که نظم قرآن معجزه است، رسم الخط آن نیز معجزه است... تمام این‌ها اسرار الهی و اغراض حکمت‌آمیز پیامبر 9 است...»^۱

شواهد و قراین ذیل را می‌توان مؤید توقیفیت رسم الخط قرآن دانست:

۱. وحی: راغب، اصل معنایی وحی را اشاره سریع می‌داند که یا با سخن گفتن است یا با صدایی مجرد یا با اشاره به برخی از اعضا و جوارح یا با کتابت انجام می‌گیرد.^۲ رامیار (م ۱۳۶۰ ش) نیز آورده است: «این کلمه در شعر جاهلی نیز به معنای «اشاره» و

۱. نصوص فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۱.
۲. راغب، مفردات، ص ۵۱۵.

«کتاب» به کار رفته است و از حارث اعور (م ۶۵ ق) روایت شده است: «تعلّمت القرآن فی سنة والوحی فی ثلاث سنین»؛ یعنی قرائت قرآن را در عرض یک سال و وحی (رسم الخط و کتابت قرآن) را به سه سال آموختم».^۳

بنابراین بعید نیست در دل وحی علاوه بر اقرء و قرائت آیات، رسم الخط آن‌ها نیز تعلیم شده باشد. در روایتی از رسول خدا 9 تعبیر «فکأتما کتب فی قلبی کتاباً» آمده است.^۴

۲. املا و تعلیم حرف به حرف پیامبر اکرم 9 به کاتبان وحی: تعلیم رسول خدا 9 درباره آیین نگارش قرآن بلافاصله در کتابت قرآن اجرا می‌شد از این‌رو، صورت کتبی هر حرف و کلمه قرآن در حکم روایتی است که بازگوکننده تعلیم آن حضرت است؛ به همین علت کاتبان وحی به ذکر این تعلیم به شکل روایت نیازی نمی‌دیده‌اند.

زید بن ثابت می‌گوید: «رسول خدا 9 می‌فرمود: هرگاه «بسم الله الرحمن الرحیم» را می‌نگاری، «سین» را واضح و روشن

۳. رامیار، تاریخ قرآن، ص ۷۸.
۴. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۲۶۹؛ دروزه، القرآن المجید، ص ۲۱.

بنویس»^۱ (دندان‌های سین را مشخص نما).
در تعلیمی دیگر فرموده‌اند: «باء» «بسم الله» را کشیده و بلند بنگار. دندان‌های «سین» را مشخص بنویس و «میم» را کور و توپُر بنویس»^۲ یا روایت شده است که «هاء» در کلمه «الله» را توپُر و کور ننویسد»^۳.

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) از ابوسعید احمد بن یعقوب ثقفی و او از ابراهیم بن یوسف هسنجانی و او از هشام بن خالد و او از اسماعیل بن قیس و او از نافع بن ابی‌نعیم روایت کرده است که در آیه ۲۸۳ سوره بقره: «فرهن مقبوضة» [یعنی در کلمه «فرهن» «الف» نوشته نمی‌شود]؛ سپس نافع گوید: خارجه بن زید بن ثابت مرا این گونه اقرار کرد و خارجه گوید که زید بن ثابت مرا این گونه اقرار کرد و زید بن ثابت گوید که رسول خدا^۹ «فرهن مقبوضه» را بدون «الف» بر من اقرار کرد^۴ و من نیز آن را بدون

«الف» کتابت کردم.^۵
ابن ابی داود (م ۳۱۶ ق) به نقل از یحیی گوید: «در کتاب خالد بن سعید [بن العاص] دیدم: رسول خدا^۹ ... حرف به حرف املا می‌کرد... مثلاً «الصلوة»، «الزکوة» و «الحیوة» را با «واو» املا می‌کرد»^۶.

ابی بن کعب گوید: «قرآنی النبی^۹ (ولیکولوا درست) یعنی بجزم السین ونصب التاء»^۷.

جابر بن عبد الله گوید: «قرأ رسول الله (لست علیهم بمُصیطر) بالصاد»^۸.

ابو هریره گوید: «ان رسول الله^۹ قرأ (اهدنا الصراط المستقیم) بالصاد»^۹.

ظاهراً در زبان و رسم الخط رایج عربی، کلمه «مصیطر» و «صراط» با «سین» خوانده و نوشته می‌شده است، ولی پیامبر اکرم^۹ تعلیم می‌دهند که در رسم الخط قرآن، این دو کلمه با «ص» نوشته شود.^{۱۰}

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴۴، خ ۲۹۳۰۰؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۷۱، خ ۲/۴۹۷۳.
۲. شهیدثانی، منیة المرید، ص ۱۷۹.
۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، خ ۲۹۳۱۳، ص ۲۴۶.
۴. نافع این کلمه را مطابق قرائت عامه «فرهن» خوانده است (بنگرید به: عمر و مکرم، معجم

→
القراءات القرآنیة، ج ۱، ص ۲۲۷).
۵. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۲، ص ۲۳۵.
۶. ابن ابی داود، المصاحف، ص ۱۱۶.
۷. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۳۸.
۸. همان، ج ۲، ص ۲۵۵.
۹. همان، ج ۲، ص ۲۳۲.
۱۰. بنگرید به: مقدمه المبانی، ص ۱۴۹؛ ابن
←

۳. مقابله و بررسی کتابت:

زید بن ثابت می‌گوید: «من وحی را نزد رسول خدا ۹ کتابت می‌کردم و آن حضرت آن را بر من املا می‌کرد. هرگاه از کتابت فارغ می‌شدم، می‌فرمود: آنچه را نوشتی، بخوان و من آن را می‌خواندم؛ پس اگر در چیزی دچار لغزش یا فراموشی شده بودم، آن را اصلاح و تکمیل می‌کرد؛ سپس آن را در اختیار دیگران قرار می‌داد».^۱

خالد عبد الرحمان العک می‌نویسد: «به یقین نقلاً و عقلاً همه متن قرآن کریم در حضور رسول خدا ۹ همزمان با نزول تدریجی کتابت می‌شد. بنابراین اگر خطا یا سهوی در رسم الخط کلمات قرآن پدید می‌آمد، پیامبر اکرم ۹ از طریق وحی بدان آگاه می‌شد؛ چرا که خطای در کتابت و رسم الخط قرآن در نهایت به خطای در قرائت قرآن و تحریف و تغییر کلام خدا می‌انجامید».^۲

۴. ترغیب به نگارش قرآن و عرضه

→ جزری، *النشر فی القراءات العشر*، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن منظور، *لسان العرب*، ذیل «سرط».

۱. عک، *تاریخ توثیق نص القرآن الکریم*، ص ۴۷.

۲. همان، ص ۸۱.

مصحف: پیامبر اکرم ۹ صحابه را تشویق می‌فرمودند که سواد نوشتن را همراه با فراگیری شفاهی قرآن بیاموزند،^۳ تا بتوانند آیات و سوره‌ها را بنویسند؛ زیرا نگارش قرآن و استفاده از نسخه مکتوب با رعایت آداب و شرایط آن، موجب انس عمیق‌تر با قرآن و تمرکز و تدبر در تلاوت و تثبیت و تحکیم آموخته‌ها در قلب قرآن‌آموز می‌گردد.

برای این منظور، پیامبر اکرم ۹ صحیفه‌های قرآن را که توسط کُتاب مخصوص وحی و تحت تعلیم و نظارت آن حضرت نوشته می‌شد، در مسجد قرار می‌دادند تا قرآن آموزان بتوانند از روی این صحیفه‌ها استنساخ کنند. روح بن عبدالرحیم از امام صادق ۷ درباره خرید و فروش مصاحف می‌پرسد. امام ۷ می‌فرماید: «ورق‌های [مکتوب قرآن کنار منبر قرار داده می‌شد... فرد می‌آمد و از روی آن رونویسی می‌کرد... گفتیم: نظر شما درباره پرداخت مزد برای کتابت قرآن چیست؟ فرمودند: اشکالی ندارد، ولی صحابه و مسلمانان این گونه عمل می‌کردند (هر کس مصحف خود را

۳. بلاذری، *فتوح البلدان*، ص ۴۵۸؛ کتانی، *نظام الحکومة النبویه*، ج ۱، ص ۴۸.

می نوشت)»^۱.

پیامبر اکرم^۹ نگارش قرآن و روخوانی آن را زمانی توصیه می کردند که قرآن آموز آن آیات یا سوره را در قلب خویش، حمل کرده بود؛ به طوری که می توانست آن ها را در هر زمان و مکانی به راحتی از قلب بر زبان آورد و بخواند: «تعلموا القرآن و غنوا به و اکتبوه، فوالذی نفسی بیده لهو اشدّ تفصیلاً من المخاض فی العُمل»^۲؛ قرآن را بیاموزید و آن را ذکر و زمزمه زبان خود کنید، سپس آن را بنویسید؛ زیرا سوگند به آن کس که جانم در دست اوست فراگرفتن قرآن از شتر جوانی که پای او را بسته اند و با این حال، تلاش می کند که خود را از بند آن برهانند، فرآرتر است.

بنابراین، فضیلت قرائت قرآن از روی مصحف، پس از توانایی قرآن آموز بر قرائت آن از روی قلب مطرح می شود، نه قبل از آن. امام صادق^۷ در جواب کسی که می گوید: می توانم از حفظ قرآن بخوانم! آیا از مصحف استفاده کنم یا خیر؟ فرمود: قرآن را بخوان و

به مصحف هم نگاه کن. آیا نمی دانی نگاه به مصحف و از روی آن خواندن، عبادت است؟!^۳

رسول خدا^۹ برای ایجاد انگیزش بیشتر می فرمودند:

- «فضل قراءة القرآن نظراً علی من یقرأ ظاهراً کفضل الفریضة علی النافلة»^۴.

- «من سرّه ان یحبّ الله ورسوله فلیقرأ فی المصحف»^۵.

- «انّ اصفر البیوت بیتٌ لیس فیہ من کتاب الله شیء»^۶.

- «افضل العبادة القراءة فی المصحف»^۷.
منظور از «نظراً» قرائت از روی نسخه مکتوب و مراد از «ظاهراً»، قرائت عن ظهر القلب (خواندن از روی قلب) است.

قرآن آموز، آیات و سوره هایی را که فراگرفته و نوشته بود، بر معلم یا مصحف او عرضه می کرد تا ضمن توجه بیشتر قرآن

-

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

۴. ابو عبید قاسم بن سلام، فضائل القرآن، ص ۱۰۴.

۵. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۶۰۴، خ ۲۷۶۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۵۵۴، خ ۲۴۸۰.

۷. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۶۷، خ ۱/۴۶۶۵.

-
۱. کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۱۲۲-۱۲۱. نیز بنگرید به: ابن ابی داود، المصاحف، ص ۱۸۶ و ۱۹۴.
۲. قرطبی، التذکار فی افضل الاذکار، ص ۱۲۹.

آموزان به تفاوت قرائت و کتابت قرآن و ویژگی‌های رسم‌النخط آن، خط‌های نگارشی و کاستی‌ها و افزوده‌های احتمالی مصحف او بر اساس مصحف معیار معلوم گردد.

ابو ادريس خولانی می‌گوید: «ابودرداء (م ۳۲ ق) و گروهی از اهل دمشق به مدینه رفتند و مصحف اهل دمشق را بر ابی بن کعب، زید بن ثابت، علی و اهل مدینه عرضه کردند».^۱ سفیان نیز گوید: «در ماه رمضان زبید [زید بن ثابت] قرآن را عرضه می‌کرد و افراد بسیاری با مصحفشان نزد او جمع می‌شدند».^۲ ابو ظیبیان نیز از عرضه مصاحف نزد علقمه سخن گفته است.^۳ حکم بن عتیبة (م ۱۱۳ ق) گوید: «مجاهد و عبدة بن ابی لبابه و گروهی از مردم، مصاحف را عرضه می‌کردند».^۴ ابو الاحوص می‌گوید: «گروهی از یاران پیامبر از جمله ابن مسعود در دار ابوموسی به عرضه مصحف

می‌پرداختند».^۵

۵. **غرائب قرآن:** پیامبر اکرم^۹ فرموده‌اند: «تعلّموا القرآن وتعلّموا غرائبها»،^۶ یا «تعلّموا القرآن واتمسوا غرائبها»،^۷ یا «أعربوا القرآن واتبعوا غرائبه وفرائضه وحدوده»؛^۸ یعنی قرآن را فرا گیرید و مصرانه غرائب آن را پی‌جویی و جست و جو کنید تا از آن‌ها آگاه شوید. «غرائب» جمع کلمه «غریب» از ریشه «غ ر ب» است که به طور کلی کاربردهای مختلف آن، معانی زیر را به دست می‌دهد:

الف. هر چیزی که از مسیر یا محل اصلی خویش دور شود و در آن تغییراتی رخ دهد و دچار غربت گردد.^۹

ب. به هر چیزی که در میان دیگر هم نوعان یا هم جنسان خویش بی‌نظیر و تک مانده است، غریب می‌گویند.^{۱۰}

ج. به هر چیز غیر متداول و غیر مألوفی

۵. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۶۱.
۶. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۴، خ ۹/۴۵۷۵.
۷. کتانی، نظام الحكومة النبویة، ج ۲، ص ۲۷۹.
۸. قرطبی، التذکار فی افضل الاذکار، ص ۱۰۷.
۹. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۲۰۵-۲۰۱.
۱۰. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۵۹.

۱. ابن ابی داود، المصاحف، ص ۱۷۴. نیز بنگرید به: ابن شبة، تاریخ المدينة المنورة، ج ۲، ص ۷۰۹ و ۷۱۰.
۲. ابن ابی داود، المصاحف، ص ۱۷۵.
۳. همان.
۴. همان، ص ۱۰۷؛ ابن ضریس، فضائل القرآن، ص ۵۳، خ ۸۱ و ۸۶.

که فهم آن از نظرهای سطحی پوشیده بماند نیز غریب گویند.^۱

بنابراین منظور از تعلّم و پی جویی غرائب قرآن هم می‌تواند به معنای مشهور آن، یعنی فراگرفتن و جست و جوی کلمات غریب قرآن و آگاهی از معانی و مفاهیم آن‌ها باشد؛ چنان که علم «غریب القرآن» در مجموعه علوم قرآنی به این موضوع می‌پردازد و هم می‌تواند به معنای پی جویی و کشف آگاهی از هر چیزی که در قرآن مقروء و مکتوب برای قرآن آموز، غریب و سؤال برانگیز است، باشد.

به عبارتی دیگر، پیامبر اکرم^۹ توجه می‌دهند که غرائب قرآن فقط محدود به حوزه قرائت و صورت لفظی کلمات قرآن نیست، بلکه صورت کتبی و نوشتاری قرآن نیز دارای غرائبی است که آن‌ها نیز قابل فراگیری، پی جویی و کشف‌اند؛ یعنی تدبّر در قرآن، محدود به تدبّر در هویت خواندنی و زبانی آن نیست، بلکه شامل تدبّر در رسم الخط قرآن نیز می‌شود؛ چنان که می‌فرمایند:

«اعطوا اعینکم حظّها من العبادة... النظر فی المصحف والتفکر فیہ والاعتبار عند عجائبه»^۳ یعنی درباره قرآن، عبادت منحصر به تلاوت قرآن از روی قلب نیست، بلکه چشم نیز علاوه بر گوش و زبان می‌تواند در این عبادت دخیل و بهره‌مند باشد که این بهره‌وری با نظر کردن و نگاه به مصحف و تفکر و تدبّر در آن و تأمل و نگرش شایان در غرائب و موارد شگفت‌انگیز آن و درس آموختن از آن‌ها می‌باشد. در قرآن مجید نیز می‌خوانیم: (افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقلها)؛ (محمد/ ۲۴) (کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبّروا آیاته ولیتذکّر اولوا الالباب) (ص/ ۲۹).

۶. کتاب عزیز: در قرآن، صفت «عزیز» تنها یک بار در آیه ۴۱ سوره فصلت، برای «کتاب» آمده است: (و اِنَّه لکتاب عزیز)؛ «کتاب» (یعنی قرآن در هویت و شکل مکتوبش) عزیز است. عزیز یعنی «نفوذ ناپذیر» و «تأثیر ناپذیر». توضیح و بیان عزیز بودن کتاب در آیه ۴۲ همان سوره آمده است: (لایأتیه الباطل من بین یدیه ولا من

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۶۳۹.
۲. همان، ص ۶۴۱؛ رضا، معجم متن اللغة، ج ۴، ص ۲۷۶.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۰، خ ۲۲۶۲.

خلفه تنزیل من حکیم حمید). تعبیر «من بین یدیه» مربوط به زمانی است که وحی در حال نزول است و پیامبر اکرم⁹ قرآن را بر کاتبان وحی، املا می‌کند و آنان آن را با دقت کتابت می‌کنند. در این زمان، باطل به آن راه ندارد؛ همان طور که بعد از کتابت نیز باطل و زائدی به متن مکتوب قرآن راه نمی‌یابد:^۱ (ولا من خلفه)».

۷. **نهی از نگارش قرآن از حفظ:** صحابه تأکید داشتند که برای کتابت قرآن باید از روی مصاحف الگو رونویسی کرد،^۲ تا رسم الخط قرآن، به ویژه در مواردی که با قرائت آن تفاوت دارد، به دور از هر گونه اختلاف و پریشانی، تثبیت و ترویج شود.

۸. **تقریر رسول خدا و ائمه اهل بیت :** ، و اجماع صحابه و تابعین: از آن جا که رسول خدا⁹ بر کتابت کاتبان وحی نظارت و اشراف دقیق داشتند، تقریر آن حضرت و ائمه اهل بیت که حافظان و مبینان سیره و سنت نبوی بودند، همچنین اجماع صحابه و امت اسلام در زمان تابعین و

ائمه مجتهدین دلیل توقیفی بودن رسم الخط قرآن است.^۳

و. **اختلاف رسم به جهت اختلاف معنا** بوده است؛ بر پایه گزارش زرکشی در البرهان، ابوالعباس احمد بن محمد بن عثمان ازدی معروف به ابن البنا مراکشی (م ۷۲۱ ق) در کتاب خود عنوان الدلیل فی مرسوم خط التنزیل، اختلاف در رسم کلمه را مربوط به اختلاف معانی آن بر حسب سیاقی که در آن به کار رفته و موقعیتی که دارد، دانسته است. همچنین اختلاف رسم به سبب معانی باطنی ای است که متعلق به مراتب وجود و مقامات است؛ مثلاً در آیه ۲۴ سوره شوری: «یصح الله الباطل» حذف «واو» اشاره به سرعت از بین رفتن و اضمحلال باطل دارد و در آیه ۲۴ سوره فجر: «وجایء یومئذ بجهنم» حرف «ا» به فعل «جیء» افزوده شد تا نشان دهد این آمدن، آن چنان ظهوری دارد که با آمدن‌های شناخته شده میان مردم متفاوت است.^۴

۱. لسانی فشارکی، جزوه «قرآن شناسی»، ص ۳۱ و ۳۲.
۲. مقدمه المبانی، ص ۳۵.
۳. همان، ج ۵، ص ۳۲۰-۳۱۸ و ۴۱۹-۴۲۰.
۴. نیز بنگرید به: نصوص فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۴۲۷-۴۲۳.

نگرش علما درباره تغییر رسم الخط قرآن
الف. ممنوعیت تغییر رسم الخط: از امام مالک بن انس (م ۱۷۹ ق) سؤال شد: «نظر تو درباره کسی که می‌خواهد امروز مصحفی را کتابت کند چیست؟ آیا او مطابق با هجایی که مردم امروز به وجود آورده‌اند بنویسد؟ مالک گفت: این را جایز نمی‌دانم، بلکه باید مطابق با روش نوشتن عهد نخست بنویسد.»^۱

امام احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق) معتقد است: «مخالفت با خط مصحف در یک «واو» یا «الف» و مانند آن حرام است.»^۲
 ابو عبید قاسم بن سلام (م ۲۴۴ ق)، میرد (م ۲۸۵ ق)، ابن درستویه (م ۳۴۷ ق)، ابن مهران نیشابوری (م ۳۸۱ ق)، ابوبکر احمد بن حسین بیهقی (م ۴۵۸ ق)، زمخشری (م ۵۲۸ ق)، ابن جزری (م ۸۳۳ ق) و قسطلانی (م ۹۲۳ ق) نیز رسم المصحف را سنت غیر قابل تغییر می‌دانند.^۳

کمیته فتوای مصر، مجمع البحوث الاسلامیه الازهر، هیأت کبار علمای عربستان

و مجمع فقهی اسلامی عربستان از مراکز علمی و فقهی‌ای هستند که بر لزوم تبعیت از رسم الخط قرآن فتوا داده‌اند.^۴

محمد جواد بلاغی (م ۱۳۵۲ ق) معتقد است: «از آن جا که قرآن کریم در میان عموم مسلمانان، نسل به نسل به صورتی متواتر نقل و قرائت شده است، همه خصوصیات آن به شکل یکسان، حفظ و صیانت شده است؛ هم ماده و حرف و ساختار آن و هم شکل و نحوه قرائت یکسان و متداول آن. حتی قرائت قرآء سبعة و غیر آن نتوانسته است لطمه و آسیبی بر ماده و صورت قرائت متواتر آن وارد سازد. همچنین با وجود روایاتی منسوب به رسول اکرم^۹ و برخی از صحابه مبنی بر اختلاف در قرائت آن‌ها، تغییری در قرائت متواتر و اصلی قرآن وارد نشده است. بنابراین صحیح و پسندیده نیست که کسی از رسم الخط معمول و قرائت متواتر و متداول میان همه نسل‌های مسلمانان به ویژگی‌های سایر قرائت‌ها عدول کند. افزون بر این که از جانب ائمه هدی

۴. پورفرزیب و دیگران، بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ص ۳۴-۴۵.

۱. دانی، المحکم، ص ۱۱؛ المقنع، ص ۱۹.
 ۲. نصوص فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۲۵۱.
 ۳. همان، ص ۲۴۹، ۲۶۵، ۲۸۹، ۲۹۴.

مأمور هستیم که قرآن را بر طبق قرائت ناس (مردم) که قرائت عموم است، قرائت کنیم.^۱ آیه الله سید مصطفی خمینی (م ۱۳۵۶ ش) هرگونه تخطی از نحوه کتابت قرآن را ممنوع اعلام می‌کند.^۲ آیه الله حسن زاده آملی نیز رسم الخط قرآن را سماعی می‌داند نه قیاسی؛ «یعنی ما حق نداریم رسم الخط را مطابق قواعد دستور زبان عوض کنیم؛ مثلاً اگر در املا، فعل جمع را با «الف» می‌نویسیم، نباید در قرآن در مواردی که «الف» ندارد، «الفی» به آخر آن اضافه کنیم، بلکه به همان صورتی که در زمان پیامبر اسلام^۹ نوشته شده بنویسیم. متأسفانه برخی از خطاطان قرآن، این مطلب را رعایت نکرده و غلط‌هایی را وارد قرآن نموده‌اند که باید اصلاح شود؛ مثلاً [کلمه] «مالک» (در سوره حمد) باید به صورت «ملک» نوشته شود و مالک خوانده شود».^۳

آیه الله سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم

انقلاب اسلامی ایران نیز بر این اعتقادند که «کیفیت نگارش کلماتی که مقررین قدیمی ذکر کرده‌اند... که این طور نوشته شود - مثلاً «ابرهیم» یا «ملک» یعنی «الف» را محذوف می‌دانستند این‌ها را باید رعایت کرد. در گذشته رعایت نمی‌کردند... برخلاف مصحف است عوض کردن آن‌ها. پس باید رعایت شود».^۴

ب. جواز تغییر رسم الخط؛ شمار اندکی از علما تغییر رسم کلماتی را که صورت نوشتاری آن‌ها با صورت گفتاری یکسان نیست (با هدف آسان‌سازی آموزش و خواندن قرآن) جایز می‌دانند؛^۵ اما این عقیده به دلایل زیر، درست به نظر نمی‌رسد:

اولاً جواز تغییر رسم الخط با توجه به ناپایداری نسبی رسم الخط‌های موجود سبب اختلاف و تفرقه میان مسلمانان می‌شود و وحدت و یگانگی آنان بر سر قرآن را مخدوش می‌کند؛ مگر این که همه فقها و عالمان مذاهب و کشورهای اسلامی با این تغییر موافق باشند.

۴. پورفرزیب و دیگران، بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، ص ۴۰ و ۴۱.
۵. معرفت، علوم قرآنی، ص ۱۶۷-۱۶۲.

۱. بلاغی، آلاء الرحمان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۳ و ۷۴.
۲. لسانی فشارکی، تفسیر روحانی، ص ۶۶.
۳. بینات، ش ۲، ص ۹۳-۹۲؛ نیز بنگرید به: نصوص فی علوم القرآن، ج ۵، ص ۴۱۳ و ۴۱۴.

ثانیاً برای حل مشکل روخوانی می‌توان مانند قرآن‌های مترجم بدون این که رسم الخط را تغییر داد، رسم القرائه را در صفحه مقابل آورد.^۱

ثالثاً با توجه به روش‌های موجود آموزش قرآن، رسیدن به توانایی روخوانی، یک هدف کمی است که مردم را با قرآن و فرهنگ و زبان آن مانوس و آشنا نمی‌کند، زیرا در سیره نبوی هدف از آموزش قرآن، فراگیری زبان قرآن و آشنایی با ساز و کار آن به عنوان یک زبان جهانی و یک نظام ارتباطی میان خدا و مردم با یکدیگر در جهت فراگیر ساختن فرهنگ الهی قرآن در سراسر جهان بوده است که برای رسیدن به این هدف، آموزش قرآن نباید از روخوانی شروع شود، بلکه باید به روش شنیداری - گفتاری پایه ریزی گردد؛ بر پایه این روش، قرآن آموز پس از یادگیری سمعی - شفاهی سوره‌ها و حمل آن در قلب، آن‌ها را با دست خود می‌نویسد و از آن به بعد همان سوره‌ها

را از روی نسخه دست نویس خود می‌خواند.^۲

اما آیا نگارش قرآن با الفبای غیر عربی برای کسانی که با عربی آشنا نیستند، جایز است؟

باقلانی (م ۴۰۳ ق) معتقد است: «در قرآن و سنت و اجماع امت و قیاسات شرعی، هیچ دلیلی بر این که رسم الخط قرآن و ضبط المصحف باید به شیوه‌ای خاص باشد، وجود ندارد، بلکه سنت دلالت دارد که نگارش قرآن به هر شیوه‌ای که آسان‌تر است، جایز است؛ زیرا... رسم الخط یک امر قراردادی است. ... هر کس و هر گروهی می‌تواند طبق آیین نگارشی که میان خودشان متداول است، قرآن را کتابت کند. هر روش که آسان‌تر و مشهورتر است، مورد قبول مردم قرار می‌گیرد... چون خط نشانه‌ای از قرائت است، هر خطی که بتواند قرائت قرآن را به شکل صحیح فراهم آورد، نگارش قرآن با آن خط جایز است».^۳

زرکشی (م ۷۹۴ ق) با این که سخنی از

۱. بنگرید به: *نصوص فی علوم القرآن*، ج ۵، ص ۳۳۵، ۳۶۷، ۴۲۹، ۴۶۰، ۵۴۰؛ لسانی فشارکی، «گفت و گو با دست اندرکاران مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران»، پلی کپی، ۱۳۸۷ ش.

۲. لسانی فشارکی، رجبی، «راهبردهای آموزش قرآن در سیره نبوی»، *صحیفه مبین*، ش ۴۲.
۳. زرقانی، *مناهل العرفان*، ج ۱، ص ۳۸۰.

علمای گذشته در این باره ندیده است، ابتدا جواز آن را محتمل می‌داند؛ زیرا به آسان سازی خواندن قرآن کمک می‌کند، ولی سپس می‌گوید: چون خط، یکی از دو نمود زبان است و قرآن به «لسان عربی مبین» نازل شده است، ممنوع بودن نگارش قرآن با الفبای غیرعربی، نزدیک به صواب است.^۱

آیه الله سیدمحمد حسینی شیرازی گرچه هیچ گونه تغییری در قرآن، حتی اسامی سوره‌های آن را جایز ندانسته، ولی کتابت آن را با هر خطی روا می‌داند؛ زیرا معتقد است که نگارش آن با الفبای غیرعربی، مصداق تغییر رسم الخط قرآن نیست.^۲

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی داود، عبد الله، کتاب المصاحف، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م.
۲. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی القراءات العشر، به کوشش علی محمد الضباع، دارالکتاب العربی.
۳. _____، غایة النهاية فی طبقات القراء، به کوشش برگستراسر، قاهره: مکتبة المتنبی.

۴. ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷ ش.
۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۸ ق/ ۱۹۹۷ م.
۶. ابن شُبّه، عمر، تاریخ المدینة المنورة، تحقیق فهیم محمد شلتوت.
۷. ابن ضریس، محمد بن ایوب، فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمکة و ما انزل بالمدينة، به کوشش غزوه بدیر، دارالفکر، ۱۹۸۸ م.
۸. ابن عرب اصفهانی، طاهر، منهل العطشان فی رسم احرف القرآن، تصحیح سید حسین مرعشی، گنجینه بهارستان ۱۵ (علوم قرآنی و روایی ۳)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۹. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، تأویل مشکل القرآن، به کوشش احمد صقر، المکتبة العلمیه، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق/ ۱۳۶۳ ش.
۱۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، طهران، ۱۳۵۰ ش.
۱۲. ابن وهب، عبدالله، الجامع [لعلوم القرآن، بروایة سخنون بن سعید(د ۲۴۰ ق)]، به کوشش میکولوش مورانی، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۳ م.

۱۳. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت،

- دارالکتاب العربی، ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م.
۱۴. ابو عبید قاسم بن سلام هروری، فضائل القرآن، به کوشش مروان العطیه، محسن خرابه و وفاء تقی الدین، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر.
۱۵. باقری، مهري، مقدمات زیانسناسی، دانشگاه تبریز ۱۳۶۷ ش.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، به کوشش رضوان محمد رضوان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۸ م.
۱۷. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۹ ق/ ۱۳۷۸ ش.
- بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. _____، التفسیر البیانی للقرآن الکریم، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۸ ق.
۱۹. پاکتچی، احمد، سخنرانی ایشان در «بنیاد علم اروپا: Foundation European Science»، مجموعه مطالعات:
- Corpus coranicum: Exploring the textual beginning of the Qur'an
- دانشگاه برلین آلمان، با عنوان:
- "The Orthographic Traditions In Earli Arabic Writing As Reflected In Rasm Al-mushaf"
۲۰. پورفرزب (مولایی)، ابراهیم و دیگران، بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف (شیوه نگارش و علامت گذاری قرآن کریم)، تهران، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ ش.
۲۱. «ترجمه و شرح قصیده عقيلة اتراب
- القصائد»، تصحیح سید حسین مرعشی، گنجینه بهارستان ۱۵ (علوم قرآنی و روائی ۳)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. حاجی اسماعیلی، محمد رضا، «بررسی تعامل و تقابل دو حوزه قرائت و کتابت قرآن از عصر نزول تا تسبیح قراءات»، مطالعات اسلامی، ش ۶۸، تابستان ۱۳۶۸.
۲۳. حاکم نيسابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحیحین، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیه.
۲۴. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه حول القرآن الحکیم، قم، انتشارات قرآن.
۲۵. دانی، ابو عمرو، المحکم فی نقط المصاحف، به کوشش عزة حسن، دمشق، دارلفکر، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۶ م.
۲۶. _____، المقنع فی رسم مصاحف الامصار مع کتاب النقط، تحقیق، محمد صادق قمحوی، قاهره، مکتبه الکليات الازهریه.
۲۷. دروزه، محمد عزة، القرآن المجید، صیدا و بیروت، المکتبه العصریه.
۲۸. ذهبی، محمد بن احمد، معرفة القراء الکبار على الطبقات و الاعصار، به کوشش بشار عواد معروف و دیگران، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۷ م.
۲۹. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۳۰. رجبی، محسن، «زمینه های صدور روایات

۴۰. طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، کتابفروشی اسلامی.
۴۱. عک، خالد عبدالرحمن، *تاریخ توثیق نصّ القرآن الکریم*، بیروت، الشركة المتحدة للتوزيع.
۴۲. عمر، احمد مختار؛ مکرم، عبدالعال سالم، *معجم القراءات القرآنیة، مع مقدمة فی القراءات و اشهر القراء، ایران، انتشارات اسوه، ۱۴۱۲ ق/ ۱۹۹۱ م.*
۴۳. فضلی، عبدالهادی، *القراءات القرآنیة، تاریخ و تعریف*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۵ ق.
۴۴. فک، یوهان، *العربیة، دراسة فی اللغة واللهجات والاسالیب*، ترجمه عبدالحلم نجّار، ۱۹۵۱ م.
۴۵. قدوری الحمد، غانم، *رسم الخط مصحف*، ترجمه یعقوب جعفری، اسوه، ۱۳۷۶ ش.
۴۶. قرطبی، محمد بن احمد، *التذکار فی افضل الاذکار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۷ م.
۴۷. کّانی، عبدالحی، *نظام الحكومة النبویة* (التراویب الاداریه)، بیروت، دارالکتب العربی.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الفروع من الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۱ ق.
۴۹. _____، *الاصول من الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، *مکتبة الصدوق*، ۱۳۸۱ ق.
۵۰. گاور، آبرتین، *تاریخ خط*، ترجمه عباس مخبر و کوروش صفوی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۷ ق.
- احرف سبعة»، *مطالعات اسلامی*، ش ۷۲، ۱۳۸۵ ش.
۳۱. رضا، احمد، *معجم متن اللغة*، بیروت، *دارمکتبة الحیة*، ۱۳۷۷ ق/ ۱۹۵۷ م.
۳۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، به کوشش احمد شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م.
۳۳. زرکشی، بدرالدین، *البرهان فی علوم القرآن*، به کوشش یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۴ م.
۳۴. سزگین، فؤاد، *تاریخ نگارش های عربی*، ترجمه نشر فهرستگان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ ش.
۳۵. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، به کوشش مصطفی دیب البغاء، دمشق - بیروت، دارابن کثیر، ۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م.
۳۶. شوقی حقدوست، مهرداد، *برخوردی نو با کهن ترین خط اسلامی*، پایان نامه دوره کارشناسی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۷۸ ش.
۳۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، *منیة المرید فی آداب المفید و المستفید*، به کوشش سید احمد حسینی، قم، *مجمع الذخائر الاسلامیة*، ۱۴۰۲ ق.
۳۸. صفوی، زین العابدین، *رساله احیاء الخط (کوفی)*، ۱۳۲۲ ق.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق، احمد حبیب قصیر العالمی، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.

- ش. ۵۹. «مصاحبه با علامه آیت الله حسن زاده آملی»، بیانات، ش ۲، ۱۳۷۳ ش.
۶۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۹۵ ق.
۶۱. معرفت، محمدهادی، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشارات التمهید، ۱۳۷۸ ش.
۶۲. _____، *تاریخ قرآن*، تهران، سمت، ۱۳۸۳ ش.
۶۳. *مقدمة المبانی فی نظم المبانی و مقدمة ابن عطیة (مقدمتان فی علوم القرآن)*، به کوشش آرتور جفری، مصر، *مکتبة الخانجی*، ۱۹۵۴ م.
۶۴. نائطی ارکاتی، محمد غوث، *نثر المرجان فی رسم نظم القرآن*، حیدرآباد - دکن، *مطبعة عثمان پریس*.
۶۵. *نصوص فی علوم القرآن*، به کوشش سیدعلی موسوی دارابی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۶۶. نوری طبرسی، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ ق.
۶۷. نیسابوری، حسن بن محمد، *غرائب القرآن و رغایب الفرقان*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
۵۱. لسانی فشارکی، محمد علی، *تفسیر روحانی*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۶ ش.
۵۲. _____، *قرآء سبعة و گزارش قرلڈات ایشان*، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش.
۵۳. _____، «قرآن‌شناسی تفصیلی، گامی در مسیر سوره شناسی»، معاون پژوهشی دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق ⁷ (پلی‌کپی).
۵۴. _____، رجبی، محسن، «راهبردهای آموزش قرآن در سیره نبوی و مقایسه آن با شیوه‌های نوین آموزشی»، صحیفه مبین، ش ۴۲، ۱۳۸۷ ش.
۵۵. لینگز، مارتین، *هنر خط و تذهیب قرآنی*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، انتشارات گروس، ۱۳۷۷ ش.
۵۶. متقی هندی، علی بن حسام، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، به کوشش صفوة السقا و بکر حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹ ق/۱۹۷۹ م.
۵۷. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۵۸. مدرس طباطبایی، سید حسین، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، دفتر اول، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۳ ش.